

# میراث مکتوب شیعه

از سه قرن نخستین هجری

دفتر اول

دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی

ترجمه

سید علی قرائی - رسول جعفریان

۱۳۸۶

با اصلاحات و اضافات

## فهرست مطالب

۷	یادداشت مؤلف
۹	یادآوری مترجمان
۱۳	مقدمه مؤلف
	فصل اول
۶۸ - ۱۹	امام علی بن ابی طالب (ع) و نزدیکانش
	فصل دوم
۱۷۴ - ۶۹	تشیع کوفی در دوران اموی
	فصل سوم:
۴۸۲ - ۱۷۵	دوران سرکوب شیعه

\*\*\*

۴۷۳	منابع و مأخذ
۵۱۹	فهرست راهنما
۵۴۱	فهرست تفصیلی کتاب (نام مؤلفان)

### یادداشت مؤلف در باره شرح حال خود

حسین مدرسی - عفا الله عنه - در قم به دنیا آمد. پس از تحصیلات جدید، به حوزه علمیه پیوست. سطوح عالی فقه و اصول را نزد حضرات آقایان مرحوم فاضل لنکرانی، حسین نوری، یوسف صانعی، و مرحوم آیت الله سلطانی، و متون فلسفی را خدمت آقایان گیلانی، جوادی آملی، محمد شاه آبادی، و مرحوم مرتضی مطهری فرا گرفت. خارج فقه و اصول را عمدتاً در محضر مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد (یک سال) و آیت الله مرتضی حایری طاب ثراه (ده سال) شاگردی کرد. هم زمان به تدریس متون درسی رایج در حوزه نیز می پرداخت که تا سطوح عالی ادامه داد. از سال ۱۳۵۵ متناوباً، و از سال ۱۳۵۸ مستمراً، برای ادامه تحصیلات جدید در انگلستان به سر برد. در سال ۱۳۶۱ دوره دکتری خود را در دانشگاه آکسفورد به پایان برد و برای تدریس به دانشگاه پرینستون امریکا دعوت شد که از آن زمان تا کنون در همان جا مقیم و عهده دار کرسی Bayard Dodge آن دانشگاه است. او هم زمان در دانشکده مطالعات بین المللی دانشگاه کلمبیا در شهر نیویورک، و در کالج سینت انتونی دانشگاه آکسفورد نیز عهده دار کرسی مهدی (کلمبیا) و گلستانه (آکسفورد) است. همچنین به تناوب در دانشکده حقوق دانشگاه ییل و هاروارد نیز تدریس کرده و مدت نه سال عضو شورای عالی نظارت بر دانشگاه هاروارد بوده است.

در زمینه نگارش، از ایام نوجوانی در اواسط دههٔ چهل به نوشتن مقالات اجتماعی و سپس مذهبی در روزنامه‌ها و مجلات مذهبی (مانند مجلهٔ مکتب اسلام) می پرداخت که سپس با پژوهش‌های تاریخی در مجلات ادبی تهران

(مانند ماهنامه‌های و حید و بررسی‌های تاریخی) ادامه داد. در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ شماری کتاب در مورد پیشینه تاریخی شهر قم و اسناد تاریخی به چاپ رسانید. در بیست و پنج سال اخیر، تحقیقات و نوشته‌های اسلامی او در دو زمینه حقوق اسلامی و تاریخ تشیع متمرکز شده که از آن میان، این کتاب‌ها به فارسی در آمده است:

- زمین در فقه اسلامی، دو جلد (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲)

- مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، (مشهد: بنیاد

پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)

- مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هشام ایزد پناه (پرینسون: انتشارات داروین،

۱۳۷۳) (اخیرا انتشارات کویر در تهران با مقدمه تازه‌ای از سوی مؤلف آن را نشر داده است).

- میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرایی و رسول

جعفریان (قم: کتابخانه تخصصی تاریخ، ۱۳۸۳) (همین کتاب).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ  
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی سَیْدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ

### یادآوری مترجمان

تلاش برای بازشناسی آثار مکتوب، اما از دست رفته قرون نخستین اسلامی از چندین دهه پیش در جهان اسلام آغاز شده است. این کار در حوزه تشیع، بیشتر در دو دهه گذشته، مورد توجه قرار گرفته و ضمن جستجو در متون کهن برجای مانده، قطعاتی از آثار تألیفی مفقود از آثار موجود جداگشته و به صورت مستقل عرضه شده است. این حرکت که به هدف بازشناسی متون پایه اما مفقود صورت می‌گیرد، می‌تواند در بازشناسی دیدگاه‌ها و نگرش‌های موجود در قرون گذشته از زوایای مختلف سودمند باشد، چه، شخصیت فکری و سیاسی و نیز دینی - مذهبی یک مؤلف، حتی در ده صفحه از یک کتاب چند صد صفحه‌ای مفقود او می‌تواند به دست آید. به علاوه، با این اقدام، بخشی از پشتوانه‌های فکری تمدن اسلامی و تاریخ علم بازسازی شده و راه برای کاوش در تحقیقات تاریخی و دینی گشوده‌تر می‌شود.

کتاب حاضر که پژوهشی فراگیر در این زمینه آن هم در حوزه شیعه‌شناسی به حساب می‌آید، در واقع تلاشی است برای فهرست کردن قطعات برجای مانده از متون پیشین شیعی اما غالباً مفقود که می‌تواند پایه‌ای برای بازسازی بسیاری از آن آثار باشد، کاری که محققان دیگر اسلامی، به ویژه در رشته حدیث، می‌بایست آن را دنبال کنند.

استاد دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی، سالها در قم به تحصیل علوم

دینی اشتغال داشت و همزمان در زمینه تاریخ علوم اسلامی به ویژه فقه و نیز تاریخ قم پژوهش‌هایی را انتشار داد که یکی از برجسته‌ترین آنها تربت پاکان و چندین اثر مهم دیگر بود. وی سپس در آکسفورد به تحصیلات خود ادامه داد و از سال ۱۳۶۱ که دکتری خود را گرفت تا این زمان در دانشگاه‌های پرینستون، هاروارد و کلمبیا در امریکا، و آکسفورد در انگلستان به تدریس علوم اسلامی و حقوق مشغول است. از ایشان آثار چندی ترجمه و به فارسی انتشار یافته که از آن جمله می‌توان به کتاب زمین در فقه اسلامی و درآمدی بر فقه شیعه اشاره کرد.

کتاب حاضر با عنوان:

*Tradition and Survival: A Bibliographical Literature Survey of Early Shi'ite*, Oxford: Oneworld, 2003

حاصل کاوش طولانی و درازدامن ایشان در متون کهن اسلامی با هدف شناسایی «میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین اسلامی» است که اکنون انتشار می‌یابد. طبعا انجام این مهم، در روزگاری که امکانات رایانه‌ای در کار نبوده، کاری دشوار اما ستودنی است. در این باره، ایشان شرحی در مقدمه خویش آورده‌اند.

این کتاب، در سال ۲۰۰۳/۱۳۸۱ به چاپ رسید و همان زمان نسخه‌ای از آن توسط مؤلف در اختیار مترجمان قرار داده شد. طی یک سال (از بهمن ۸۱ تا بهمن ۸۲) به فارسی درآمد و پس از ملاحظه مؤلف و افزودن برخی از نکات به صورت فعلی آماده تقدیم به علاقه‌مندان و شیعه شناسان شده است. امیدواریم انتشار کتاب حاضر، گامی برای پیشبرد تحقیقات تاریخ شیعه باشد.

در ترجمه فارسی، تلاش شده است تا متن آن در تمامی بخش‌ها منطبق با متن اصلی باشد. نظارت مؤلف بر ترجمه، کار ما را آسان‌تر کرد و چنان شد که مسؤلیت محتوایی آن، شامل اطلاعات و تحلیل‌ها همه بر عهده مؤلف دانشمند و ارجمند قرار گرفت. البته ممکن است که در برخی از مسائل و تحقیقات و تحلیل‌های ارائه شده، چون و چرایی صورت گیرد، اما مهم‌تر از هر چیز، نشر این اثر ارجمند به فارسی بود. طبعا هم در حوزه علمی و هم

دانشگاه‌های ما، استادانی هستند که در این باره تأملاتی داشته باشند و اگر توضیحی بر متن دارند، به صورت مقاله یا کتاب نشر دهند. یقیناً این اقدام سبب خشنودی مؤلف و مترجمان خواهد شد.

گفتنی است که این کتاب قرار است در دو دفتر عرضه شود، اما تاکنون، تنها مجلد نخست آن به انگلیسی انتشار یافته و امیدواریم مجلد دیگر آن هرچه زودتر آماده و منتشر شود. دفتر اول، مشتمل بر سه فصل است که بر حسب نام مؤلفان ترتیب یافته است؛ جز آن که دو فصل اول بر اساس تاریخ وفات (قطعی یا تقریبی) مؤلفان است، اما ترتیب اسامی در فصل سوم بر اساس الفبای فرنگی است که به همان صورت حفظ شده و در پایان کتاب یک فهرست الفبایی بر اساس الفبای فارسی ارائه شده است.

فهرست راهنمای کتاب بر اساس شماره صفحه‌های متن لاتین است که در متن کتاب، میان گروه و با اعداد لاتینی درج شده است. بنابر این، باید برای یافتن شماره صفحاتی که برابر نام‌ها و مفاهیم و اسامی کتابها در فهرست راهنما آمده، به شماره صفحه‌های لاتین قید شده در متن مراجعه کرد. این کار برای رعایت دقت بیشتر در استخراج فهرست راهنما بر اساس همان‌چه مؤلف محترم در متن انگلیسی آورده، انجام گرفت. به علاوه، با درج شماره صفحات متن لاتین در داخل متن ترجمه شده، ارجاع به متن انگلیسی و فارسی کتاب، همزمان ممکن خواهد بود.

کتابنامه کتاب و نیز اسامی کتابها در متن و پاورقی‌ها، در متن انگلیسی، همه بر اساس نام مؤلف بود که ما به دلیل انس محققان ایرانی با اسامی کتابها، ترجیح دادیم به جای نام مؤلف، نام کتاب را بیاوریم (به استثنای نام‌های لاتین). این کار به طور هماهنگ در متن و کتابنامه رعایت شده تا مراجعه کنندگان بتوانند مشخصات کتابها را به سرعت به دست آورند.

در پایان، فهرست تفصیلی نام مؤلفان آمده است که در سمت راست آنها شماره شرح حال و در سمت چپ نامها، شماره صفحه متن فارسی آمده است.

**یادداشت چاپ دوم**

پس از انتشار چاپ اول مؤلف محترم اضافاتی در بخش های مختلف داشتند که آنها را به تدریج ارسال کردند و در متن افزوده شد. علاوه بر آن یکبار دیگر متن چاپی کتاب را به طور دقیق خواندند و اصلاحاتی در آن به عمل آوردند که مغتنم و گاه بسیار ضروری بود. خبط و خطاهایی هم که در آن چاپ صورت گرفته بود در این بازنگری رفع و رجوع شد. در فهرست راهنما مشکل جدی وجود داشت که آن هم بحمد الله اصلاح گردید.

بنابراین اکنون که چاپ دوم کتاب عرضه می شود می توانیم مطمئن باشیم که دقت بیشتری در آن اعمال شده است.

۲۲ بهمن ۱۳۸۶

## مقدمه مؤلف

هدف این تحقیق، شناخت و دستیابی بر میراث مکتوب مذهب شیعه امامیه طی سه قرن نخست هجری است. آغاز این تحقیق به سالها پیش باز می‌گردد، زمانی که مقاله‌ای برای یک جشن‌نامه در بارهٔ موادّ برجای مانده از کتابی که در منابع متقدم اسلامی به امیر مؤمنان (ع) نسبت داده‌اند، نوشتم. آن مقاله چاپ نشد، زیرا جشن‌نامه‌ای که مقاله برای آن نوشته شده بود، هیچ‌گاه انتشار نیافت. با این حال، آن تحقیق مرا تشویق کرد که بررسی جامعی در بارهٔ دیگر آثار امامیه به عنوان متمم باب مربوط از کتاب تاریخ ادبیات عرب فؤاد سزگین (*Geschichte des arabischen Schrifttums* جلد اول، صص ۵۲۴-۵۵۲) انجام دهم. اما بررسی حاضر، به لحاظ دورهٔ تاریخی، زمان محدودتری را شامل می‌شود و آن تنها سه قرن نخست تاریخ شیعه است که در کتاب فعلی به دو مجلد، مشتمل بر پنج دورهٔ تاریخی تقسیم شده و شامل روزگار امام علی (ع) تا پایان غیبت صغری (سال ۳۲۹) است. بابتی در پایان کتاب به یک ارزیابی کلی از این میراث مکتوب اختصاص خواهد داشت.

آغاز ادبیاتِ نوشتاری شیعه را می‌توان به اواخر دوران اموی، با شماری رساله و یک کتاب علیه نظام حاکم پیگیری کرد. در آن روزگار، ثبت مسموعات حدیثی در دفاتر از سوی راویان حدیث، از جمله راویان شیعی، سالیانی بود که کم و بیش آغاز شده بود.<sup>۱</sup> اندک زمانی پس از آن، تدوین کتاب‌های فرم‌یافته‌تری در بارهٔ علوم قرآنی و فقه هم آغاز شد. گفته می‌شود<sup>۲</sup> که نخستین اثر منظم شیعی در موضوع فقه، کتاب عبیدالله بن علی حلبی، راوی از

۱. رجال کشی: ۲۲۵.

۲. رجال برقی: ۷۳.

امام صادق (ع) بود که آن را در نیمه نخست قرن دوم هجری نوشته بود.<sup>۳</sup> بر اساس نقلی دیگر<sup>۴</sup> در میانه قرن دوم هجری، آثار فقهی اکثریت غیر شیعی، به شماری انبوه رسیده بود. دفاتر حدیث که راویان اولیه حدیث از روایات شفاهی می نوشتند و به آنها جزء، نسخه، اصل، صحیفه یا کتاب می گفتند،<sup>۵</sup> منبع عمده مجموعه های حدیثی بزرگتری شد که به زودی پدید آمدند. در سنت شیعی، به آن دفاتر ابتدایی، معمولاً کتاب یا اصل گفته می شد. تعبیر اصل، معنای روشنی در علم حدیث اسلامی به طور کلی<sup>۶</sup> و دانش حدیث شیعی به طور خاص<sup>۷</sup> داشت. این اصطلاح، در ابتدا به معنای دفتر یادداشت شخصی از مسموعات و مطالبی بود که به صورت شفاهی دریافت شده بود.<sup>۸</sup> شاید در آغاز، تنها جُنگ و دفتر یادداشت نامنظم، اما بعدها احیاناً یک اثر تألیفی منظم و مَبُوب نیز که از روایات شفاهی فراهم آمده بود، «اصل» نامیده می شد.<sup>۹</sup> باور عام چنین بود که نزدیک به چهار صد عدد از این دفاتر حدیثی، از

۳. این کتاب نیز در شکل مجموعه روایاتی از ائمه (ع) بوده، ولی گویا به صورت موضوعی باب بندی شده بود. بنگرید: نجاشی: ۲۳۱، فهرست طوسی: ۱۰۶-۱۰۷ (نیز بنگرید: جوابات المسائل الرسیة الاولى، ص ۳۳۱).

۴. رجال کشی: ۳۸۴.

۵. برای فرق های جزئی محتمل میان موارد استعمال اصلی برخی از این مصطلحات، نمونه های متعدد چاپ شده نسخ، اجزاء و اصول بازمانده از ادوار نخستین را باید با یکدیگر سنجید. محمد مصطفی اعظمی در دراسات: ۳۴۳-۳۴۵، ۴۷۷ مطالبی در این باب دارد.

۶. نمونه های استفاده از این اصطلاح در این معنا، در سنت سنی آن، بیش از آن است که قابل شمارش باشد. تنها چند موردی را که تصادفاً از آن یادداشتی نگاه داشته ام، در اینجا ارائه می دهم: الرد علی الجهمیة عثمان الدارمی، ص ۱، الجرح و التعديل: ۱۴۷/۵، کامل ابن عدی: ۲۳۰۳، اخبار اصبهان ابونعیم: ۱۲۹/۱، ۱۵۲/۲، تلخیص المتشابه خطیب: ۴۷۱، ۵۱۶، تاریخ بغداد: ۹۶/۳-۹۸، ۴۶۷/۵، ۳۷۹/۶، شواهد التنزیل: موارد متعدد، معجم السفر ابوطاهر سیلفی: ۲۹۹، ۴۲۳، التدرین رافعی: ۳۰۲/۲، معجم البلدان: ۲۸۰/۵، تاریخ نيسابور، المنتخب من السياق: ۱۶، ۳۸، ۳۱۷، ۴۰۱، ۴۲۴ (مذ: همان: ۳۵، ۸۳، ۱۰۴، اخبار الراضی بالله صولی: ۲۱۷، الانساب: ۵۷/۱۰ [نیز المبانی فی نظم المعانی: ۹۱]، ۳۸۶، ۵۴۰، تاریخ بیهق ابن فندق: ۱۸۳ برای کاربردی متفاوت از این اصطلاح)، میزان الاعتدال: ۱۲۷/۱، تهذیب ابن حجر: ۱۷۶/۵، ۱۵۴/۸، ۱۸۰/۱۱، اللسانی سیوطی: ۲۶۳/۱.

۷. برای نمونه بنگرید: غیبت نعمانی: ۱۸، کمال الدین: ۱۹، فهرست طوسی: ۷۴-۷۵ (نیز بنگرید: من لا یحضر: ۱۱۷/۲، عیون: ۲۵۶/۱، کفایة الاثر: ۳۰۹، امالی طوسی: ۴۱۳، مناقب ابن شهر آشوب: ۲۹۹/۱). برای کاربرد این

اصطلاح در سنت زیدی، برای نمونه بنگرید: الشافی عبدالله بن حمزه: ۵۸/۱، ۱۱۶/۲.

۸. برای نمونه بنگرید: جوابات مسائل اهل الموصول فی العدد و الرویة شیخ مفید: ۲۴.

۹. ببینید جوابات المسائل الرسیة الاولى: ۳۳۱، فهرست طوسی: ۶۳.

اصحاب امامان (ع) برجای مانده است.<sup>۱۰</sup> این اصول می‌بایست جزو حدود یک هزار اثر شیعی باشد که در پایان قرن سوم در دست بوده است.<sup>۱۱</sup>

در جای خود این مطلب ثابت شده است که مجامع متقدم حدیث، بیشتر مطالب خود را از نوشته‌های پیشین برگرفته و غالباً اسناد روایات، نشانگر طریق دستیابی مؤلفین آثار بعدی به کتابهای پیشین است نه سند نقل شفاهی نقلها. این نکات را محمد مصطفی اعظمی در آثارش<sup>۱۲</sup> به طور قانع کننده، همراه با شواهد کافی از منابع سنی،<sup>۱۳</sup> بحث کرده است. شواهد فراوان و مشابه آن را از کتابهای شیعه می‌توان ارائه کرد.<sup>۱۴</sup> اما مؤلف این سطور تلاش دارد که نقل مستقیم آثار متأخر را از منابع مکتوب متقدم، به صورت موردی بر اساس مستحکم‌تری استوار سازد. از باب نمونه، به نظر می‌رسد که اگر روایتی با همان اسناد که در کتابشناسی‌های قدیم شیعی برای دفاتر حدیثی اصحاب ائمه ذکر شده، روایت شده و یا دست کم به همان راوی اعلی که فهرست‌ها به عنوان راوی کتاب از مؤلف معرفی می‌کنند، استناد داده شده باشد به احتمال زیاد از همان اثر مکتوب متقدم سرچشمه گرفته است.<sup>۱۵</sup> همین مطلب در مواردی

۱۰. اعلام الوری، طبرسی: ۴۱۰، ۴۲۹. برای توضیحات بیشتر بنگرید به مقاله اتان کالبرگ در باره اصول اربعمائة. به گفته ابن شهر آشوب در مناقب: ۱۹۷/۲ یک صد عدد از این دفاتر یا کتابها، مربوط به شاگردان امام صادق (ع) بوده است. فهارس اولیه، بیش از یک صد دفتر را به شاگردان امام صادق (ع) منسوب می‌دارند؛ حتی محقق حلی در معتبر: ۲۶/۱ بر این اعتقاد است که همه این چهار صد اصل، از شاگردان امام صادق علیه السلام بوده است.

۱۱. نهرست طوسی: ۶۴.

۱۲. بنگرید به کتاب او با عنوان: دراسات فی الحدیث النبوی: ۵۸۷-۵۹۴ (نیز بنگرید: ۲۸۲-۲۸۵) و کتاب دیگر او با عنوان: *Hadith, Methodology and Literature*: ۷۴-۷۹.

۱۳. به این یک نمونه توجه کنید: صحیح بخاری: ۱۱۲/۴-۱۱۳ روایتی از عمرو نقل می‌کند که وی از محمد بن جعفر با تعبیر رایج «حدثنا» روایت می‌کند که به طور مرسوم به معنای روایت شفاهی است. يك كلمه در روایت افتاده است. بخاری از عمرو و توضیحی را می‌آورد و آن این که کلمه یاد شده در نسخه او از کتاب محمد بن جعفر افتاده بود.

۱۴. چند مورد تنها از باب نمونه: رساله ابی غالب: ۱۲۹-۱۳۳ (نیز بنگرید: ۱۵۳-۱۵۴)، معانی: ۱۴۹-۱۵۰، عیون: ۲۰/۲-۲۲، لا یحضر: ۷۲/۳، امالی طوسی (چاپ نجف، ۱۹۶۸): ۲۰۷/۲ (نیز بنگرید: کافی: ۵۲/۱، ۵۳). در مواردی مؤلفان یادآور می‌شده که متن روایتی که به صورت شفاهی نقل شده در کتاب راوی اصلی نیست. این مسأله معمولاً موجب تردید در اعتبار آن نقل شفاهی می‌شد. بنگرید: جوابات مسائل اهل الموصل فی العدد و الرؤیة: ۲۴، تهذیب طوسی: ۱۶۹/۴ [و از آنجا در: شرح الجمل ابن براج: ۱۷۵].

۱۵. البته در موارد بسیاری، فهرست‌ها، تنها یک طریق از چندین طریق را برای وصول بک کتاب، یاد می‌کنند. بنگرید: نجاشی: ۳، ۱۱۶، ۱۲۷، ۲۳۱.

که شمار زیادی روایت از یک مؤلف متقدم، به سند واحد نقل شود،<sup>۱۶</sup> و نیز در مواردی که از يك مؤلف، همزمان، با چندین سند که همواره یکسانند نقل شود، صادق است.<sup>۱۷</sup> حلقه مشترك در مورد اخیر، به احتمال زیاد، یک دفتر حدیثی مکتوب است. من در این کتاب، به روش سرگین تنها آثاری را معرفی کرده‌ام که تعداد قابل ملاحظه‌ای نقل از آن بر جای مانده باشد، آن مقدار که بتوان گفت که اثر یاد شده، دست کم تا حدودی باقی مانده است.<sup>۱۸</sup> چند نکته دیگر را نیز باید در آغاز خاطر نشان کرد:

بخش عمده مطالب کتاب، پیش از پدید آمدن رایانه‌ها و برنامه‌های تهیه شده برای مطالعات حدیثی فراهم آمده است؛ حتی پیش از آن که فهرست‌های جدید برای احادیث شیعه پدید آید. بانک اطلاعاتی که در حال حاضر در قم، برای اسانید احادیث شیعی فراهم آمده، تا پایان طبع این مجلد در دسترس من نبوده است. روشن است که دستیابی به این ابزارهای جدید، سرعت و دقت بسیار بیشتری را برای تحقیقات مشابه در این زمینه‌ها، در آینده فراهم خواهد کرد.

زمانی که من به جمع‌آوری این مواد مشغول شدم، تلاش کردم تا همه اطلاعات مربوط به متکلمان متقدم شیعه و آرای آنان را در مسائل کلامی گردآوری کنم. اما انتشار کتاب اخیر جوزف فان اس (*Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. jahrhundert Hidschra*) مرا قانع کرد که در آن کار تجدید نظر کرده و آن اطلاعات را که اکنون تکرار کار و زائد به نظر می‌رسید از کتاب بپیرایم. طی دهه اخیر کتابهای متعددی به عنوان بازسازی آثار مفقود شیعی چاپ شده یا نقل‌ها از رجال متقدم شیعه را در مجموعه‌هایی گردآوری کرده است. من از این حرکت احیاگرایانه متون، بسیار بهره برده‌ام، زیرا مرا قادر ساخت تا لیست موادی را که خود

۱۶. مخصوصاً اگر آن موارد همه با هم در یک جا نقل شود، چنان که فی‌المثل در موارد بسیار در قرب الاسناد و امالی طوسی.

۱۷. از این قبیل است نقلهای صدوق در من لایحضرکه معمولاً از نخستین راوی از امام و بدون اسناد نقل می‌شود ولی مؤلف در مشیخه ملحق به کتاب، طرق خود را به آن راویان نخست و کتابهای آنان، یاد می‌کند. مؤلف در بسیاری موارد یادآور می‌شود که برای تمام نقلهایی که از يك راوی معین کرده، همزمان، چند طریق، دو یا بیشتر، دارد.

۱۸. بنابر این، مؤلفانی که از آنان مواردی در کتابهای بعدی نقل شده، اما این نقلها، از طرقی که در فهرست‌ها و منابع مقدم، به عنوان طریق روایت آثار آنان معرفی شده است نبوده و یا تنها در موارد بسیار نادری چنین بوده است، در متن اثر حاضر ذکر نخواهند شد. اسامی این مؤلفان در پیوستی، فهرست‌وار در پایان جلد دوم خواهد آمد.

یافته بودم، حذف کرده، اثر حاضر را کوچکتر کنم. به علاوه، با انتشار فهرست‌های عمده منابع حدیث شیعه، دیگر عملاً دلیلی برای ارائه فهرست طولانی نقل‌های باقی مانده از هر کتاب متقدم شیعی که خود پیش‌تر جمع کرده بودم، نبود. این مسأله هم کمک کرد تا به طور قابل ملاحظه‌ای از حجم اثر حاضر کاسته شود. طبعاً در مواردی که به هر دلیل لیست‌های آن فهرس را کافی نیافتم، از فهرست‌های خود استفاده و آنها را ارائه کرده‌ام.

ارجاع به منابع کهن، الزاماً به معنای پذیرفتن اصالت آن آثار نیست. برای نمونه، احتمال جدی وجود دارد که بخش بزرگی از نسخه کبرای موجود کتاب *بصائر الدرجات* الحاقی باشد. از این مطلب در جای خود در همین کتاب، به تفصیل گفتگو خواهد شد. هماهنگ با سنت وقایع‌نگاری حماسی ایام العرب، برخی از روایات و گزارش‌های مربوط به جنگ‌های جامعه اولیه اسلامی، مانند *وقعة صفین*، و برخی مقاتل بیش از آن که تاریخ باشد، نوعی قصه تاریخی است و بسیاری از جزئیات وقایع و گفتگوها و اشعار و رجزها و حتی برخی نام‌هایی که در آن ذکر می‌شود بسا از ابداعات ذهنی راویان باشد.<sup>۱۹</sup> بسیاری از مطالب کتابی به نام *دلایل الامامة و آثار مؤلفانی مانند شاذان بن جبرئیل قمی*، *حسین بن عبدالوهاب*، *قطب الدین راوندی و حسن بن سلیمان حلی*، از منابع غیر سنتی و باطنی سرچشمه گرفته است. مؤلفان این آثار، شاید به اصالت موادی که نقل کرده‌اند، معتقد بوده‌اند، اما این باور الزاماً بر روش‌های سنتی روایت و نقد حدیث متکی نبوده است. با این حال، این به معنای حذف این آثار از پژوهش حاضر نیست، پژوهشی که به طبیعت خود ناگزیر از استناد به سلسله‌ای بزرگ از احتمالات و حدس‌ها بوده است.

آثاری وجود دارد که به طور قراردادی به افرادی جز مؤلفان اصلی منسوب شده‌اند. برای نمونه، یک لیست قدیم از اسامی شماری از راویان حدیث شیعی که *رجال برقی* خوانده می‌شود، به احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ - ۲۸۰) منسوب شده؛ در حالی که در این

۱۹. سخن از روشی در وقایع‌نگاری حماسی است که مشابه آن را با تفاوت‌هایی در ادبیات فارسی نیز داشته‌ایم. برای یک نمونه دست دوم از آن شیوه وقایع‌نگاری ببینید مناقب ابن شهر آشوب ۳۷۳/۲ - ۳۷۵ که در آن ماجرای نزول سوره هل اتی از منابع بسیار به نقل از اصبح بن نباته و امام باقر (ع) روایت شده است. در این متن امیر مؤمنان و حضرت زهرا و حسنین و حتی مسائل همه با شعر سخن با یکدیگر سخن می‌گویند. آیا می‌توان آن متن را جز حماسه سرایی تاریخی دانست و فی‌المثل به استناد آن استنتاج کرد که در آن روزگار فی‌الواقع تاجری یهودی با نام *نخاص بن الحارث* یا *شمعون بن حارث* در مدینه بوده است؟

متن، نقلهایی آمده است که از یکی از شاگردان این دانشمند بوده و بنابر این باید مربوط به زمانی متأخر از وی باشد.<sup>۲۰</sup> نجاشی: ۳۹۲ کتابی از شیخ صدوق (م ۳۸۱) با عنوان کتاب المعرفة برجال البرقی (که به نظر می رسد فهرست راویانی بوده که برقی از آنان در کتاب حدیثی جامع خود، کتاب محاسن روایت کرده بود) یاد می کند. این امکانا می تواند همین اثر معروف به رجال برقی باشد (اختلافات میان آنچه در این فهرست آمده، با آنچه که در مشیخه صدوق است، طبعاً نشانگر تفاوت اطلاعات مؤلف در دو دوره زمانی مختلف تواند بود). کتاب الايضاح ابن رستم طبری را در نسخه چاپی آن به استناد یک دو نسخه خطی جدید به فضل بن شاذان نیشابوری منسوب داشته اند. می دانیم که تفسیری که به شکل قراردادی تفسیر علی بن ابراهیم قمی خواننده می شود از او نیست. وضع و حال این آثار و آثار مشابه در جای خود از اثر حاضر مورد بحث قرار خواهد گرفت. اما برای تسهیل امر و آن که خواننده در تشخیص مأخذ مورد استفاده به دشواری نیفتد، در ارجاعات، نام و نشان کتابها به همان صورت شایع مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

مطالبی که در آثار متقدم آمده است، معمولاً در آثار ادوار متأخر عیناً تکرار می شود. در فهرست هایی که از نقلهای برجای مانده از یک اثر ارائه می کنیم، تنها اولین منبعی که آن مورد را نقل کرده، می آوریم، مگر آن که شاهدی در اختیار باشد که منبع متأخرتر، به طور مستقیم یا از طریق دیگری از آن اصل مفقود استفاده کرده باشد. فی المثل وقتی یک نقل در منبع دیگری با سندی دیگر یا با اختلاف قابل توجهی در متن نقل می شود، عادتاً باید از اصل کتاب یا منبع میانه دیگری گرفته شده باشد. همین رویه را در مورد منابع شرح حال مؤلفان پیروی خواهیم کرد، به طوری که تنها منابع اصلی یا تحریرهای متأخر از آثاری که اصل آنها مفقود شده، یاد خواهند شد. نمونه ای از قسم دوم، کتاب فهرست شیخ طوسی است که به روشنی، تحریری از يك فهرست کهن تر شیعی است که برجای نمانده،<sup>۲۱</sup> اما در دسترس نجاشی بوده و او

۲۰. مگر آن که نقلهای مورد نظر، الحاقاتی باشد که بعدها در نسخه ای از کتاب که نسخه های موجود از آن سرچشمه گرفته، افزوده شده باشد و این احتمال بعیدی نیست.

۲۱. شیخ طوسی گهگاه از منابع اندک دیگر و اطلاعات شخصی خود مطالبی بر آن اثر افزوده است. وی جملات کوتاه اندکی هم در این جا و آنجا افزوده (برای نمونه: فهرست: ۱۲۶) که وی در آنجا نظر مخالف خودش را در باره عبارت بیان کرده بدون آن که عبارت اصلی را عوض کند) و اسامی مشایخ خود را جایگزین کرده، و طرق خود را که بالقوه طرق روایت او به آثار حدیثی ذکر شده در آن فهرست بودند، در هر مورد گنجانیده است.

اشتباهات آن را در موارد متعدد در یافته و به تصحیح آن همت گماشته است. گذشته از مطالبی که به شرح پیش گفته، کنار گذاشته شد، یادداشت هایی که در این دو مجلد تدوین می شود به همان صورت اصلی که سالها پیش جمع آوری شده بود، عرضه گردیده است. با این حال از یک ترم مرخصی دانشگاهی خود در پاییز سال ۲۰۰۲ برای به روز کردن ارجاعات کتابشناسی، با توجه به چاپ های جدید، و همچنین اعمال تجدید نظرهای جزئی استفاده کردم. در مواردی که به نسخ خطی ارجاع داده و اکنون آن متون به چاپ رسیده است، ارجاعات را به نسخ چاپی باز گرداندم. برخی از آثار مفقود که موارد برجای مانده اش را در آثار متأخر پیگیری کرده و بدان مراجع ارجاع داده بودم، اکنون به شکل بازسازی شده در دسترس می باشد. بیشتر لیست های من در این کتاب - هرچند نه همه آنها - اکنون بر اساس این آثار بازسازی شده است. اکنون چاپهای انتقادی بهتری از شماری از منابع در دست است. در مواردی که چاپهای پیشین مورد مراجعه من، اغلاط فراوانی داشته - مانند *لسان المیزان* ابن حجر، - یا آن که چاپ جدید، متن کامل یا دست کم گسترده تری از متن چاپی قبلی ارائه می دهد، مانند *انساب الاشراف*، *تاریخ دمشق* ابن عساکر، یا *طبقات ابن سعد*، ارجاعات را به چاپ های جدید، بهتر یا گسترده تر تغییر داده ام. در مواردی هم که یادداشت ها از چاپ های متفاوت یک اثر گرفته شده بود، اکنون همه را با یک چاپ، معمولا تازه ترین چاپی که در دسترس داشتم، مقابله و تمامی ارجاعات را بدان بازگرداندم. در موارد اندکی، به دلیلی خاص، مجبور شده ام از چاپ دیگری استفاده کنم، اما چاپ های مورد استفاده، همانهاست که در کتابشناسی آمده است، مگر آن که مشخصات خاص آن در متن قید شود.

اصطلاح *سنی* در تمام کتاب، به معنای متعارف امروزی آن به کار رفته است؛ معنایی که بعد از دوره مورد تحقیق ما، شکل گرفته است.

تمامی تواریخ بکار برده شده در این کتاب، بر اساس تواریخ هجری است، مگر تواریخ چاپ کتابها که می تواند میلادی یا هجری باشد.

در پایان به عنوان انجام وظیفه ای دلپذیر، باید از مایکل کوک که تمامی این مجلد را خواند و با برخی تصحیحات و نقدهای همیشه عالمانه اش، مرا ممنون خویش ساخت، و از دوستم محسن آشتیانی و شاگردم دنیس صوفی به خاطر پیشنهادهای با ارزششان برای بهتر شدن متن کتاب، تشکر کنم.